



نامه‌های مبارک پیامبر بزرگ اسلام

محمد بن عبدالله (ص)

(۲)

پیامبر اکرم (ص) عبدالله بن حذافه السهمی یکی از فرستادگان شش‌گانه را که با خسرو پرویز پادشاه ایران خصوصیت داشت با نامه نزد او فرستاد. راجع به متن این نامه گفته‌های مختلف نقل شده است. حمدالله مستوفی در تاریخ «گزیده» می‌نویسد: نامه مزبور به عنوان زیر نوشته شده است: «من محمد رسول الله الی بر و یزین هر مزد...» و پاره‌ای از کلمات متن نامه با نسخه مخطوط «لیدن» و تاریخ طبری ترجمه «بلعمی»^۱ و متن منتشر در نهایت الارب فی اخبار الفرس و العرب و سایر مراجع متفاوت است.

در سال ۱۹۶۳ «استاد صلاح الدین منجد»، دانشمند و کارشناس آثار مخطوط باستانی، از کشف اصل نامه که در مجموعه و نائق آقای «هنری ذرعون» لبنانی موجود است خبر داد و تصویر آن را در روزنامه «الحیة» بیروتی (۱۹۶۳م) منتشر ساخت. نامه بر قطعه چرم نوشته شده است و بطوریکه در تصویر (شماره ۳) ملاحظه میشود نوشته مزبور شامل چند قطعه بریده است که به یکدیگر دوخته‌اند. در متن نامه پاره‌ای کلمات محوشده و از روی قرینه و پس از مقایسه با دیگر متن‌های خطی و روایات مختلف بدین شرح ثبت شده است:

«من محمد رسول الله الی کسری عظیم فارس .

سلام علی من اتبع الهدی و آمن بالله و رسوله، و شهدان لاله الا الله، و حده لاشریک له، و ان محمداً عبده و رسوله، و ادعوك بدعاء الله، فانی انار رسول الله الی الناس کافة . لانذرهن کان حیا و یحق القول علی الکافرین، فاسلم تسلیم . فان ابیت فان اثم المجوس علیک»

* آقای سید ابوالفضل طباطبائی، از ترجمانان چیره‌دست و نویسندگان پژوهنده معاصر.

«خطیب» در تاریخ «بغداد» مینویسد نامه‌ای را که پیامبر اکرم بوسیله عبدالله بن حذافه»
برای کسری فرستاد باین مضمون بود :

«بسم الله الرحمن الرحيم

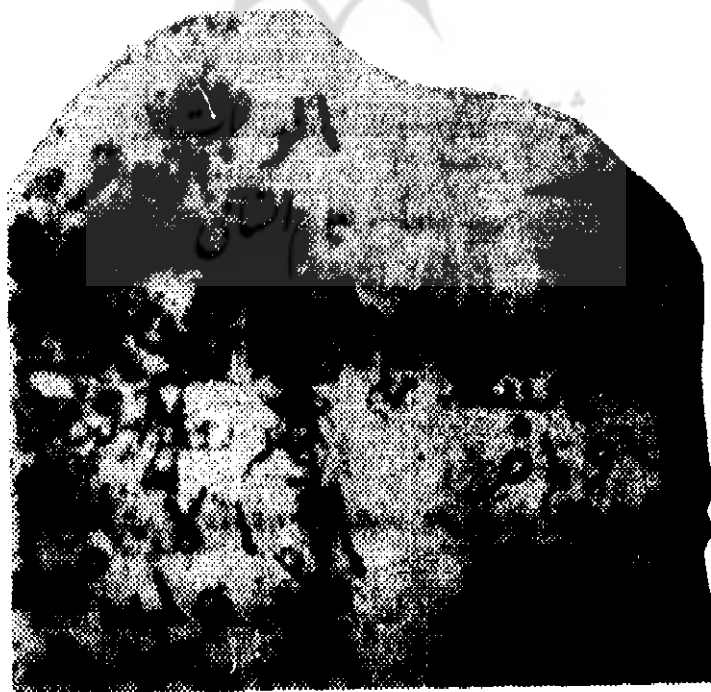
«من محمد رسول الله الی کسری عظیم فارس. ان اسلم تسلم، من شهد شهادتنا و استقبل
قبلتنا و آكل ذیحتافله ذمة الله و ذمة رسوله.

مهر الله

رسول

محمد»

«خسرو پرویز» پس از اطلاع از مفاد نامه قیچی^۲ خواست و نامه را برید و گفت آتش
حاضر کردند و آن را سوزاند. آنگاه از کرده خود پشیمان شد و گفت: باید هدیه‌ای برای او
بفرستم . . . سپس پارچه‌هایی از دیبا و حریر آماده کرد و مقداری مشک درون آن گذاشت و
همراه با نامه برای پیامبر فرستاد. بدستور پیامبر اکرم پارچه‌ها را باز کردند، مشک درون آن
را برداشت و بوئید و به یاران خود داد و فرمود: ما به این پارچه‌های حریر احتیاجی نداریم
و از جنس لباس مانیت. سپس در پاسخ به خسرو پرویز نوشت: «یا از فرمان من پیروی کن،
یا من خود و همراهانم بسوی تومی آیم و امر خدا زودتر از این اجرا میشود . اما نامه‌ات،
من بهتر از تو بر آن آگاهم و مفاد آن چنین است « . . . » آنگاه نامه خسرو پرویز را باز
نکرده و بی آنکه خوانده شود همان گونه برایش پس فرستاد . بنا بر روایتی این همان نامه
بود که بدست خسرو پرویز پاره شد و چون خبر آن به پیامبر اکرم رسید فرمود: «مزیق الله
ملکهم کل مزیق» خداوند دولتشان را یکباره از هم بپاشد و دگرگون سازد .



نامه مبارک پیامبر اکرم به خسرو پرویز پادشاه ایران (تصویر شماره ۳)

واقعی در «طبقات» نقل میکند. «پس از آنکه پیامبر اکرم از پاره شدن نامه خود با خبر شد فرمود: «مزیق ملکه». خسرو پرویز برای تحقیق بیشتر به باذان فرماندار خود در یمن نوشت: دو پیک تندرو نزد این مرد بفرست تا مرا از وضع او آگاه سازند. باذان ندیم خود را با مرد دیگر فرستاد و نامه‌ای همراه آنها کرد. ایشان چون به مدینه رسیدند، نامه باذان را به پیامبر اکرم تقدیم کردند. پیامبر بالبختد ایشان را در حالی که از وحشت به لرزه آمده بودند، باسلام دعوت فرمود و گفت امروز از نزد من بروید و فردا بیائید تا تصمیم خود را بشما بگویم.

چون روز دیگر نزد پیامبر رفتند با ایشان فرمود: به ارباب خود بگوئید «خدای من دیشب پنج ساعت از شب گذشته خدای او خسرو را هلاک کرد و خداوند متعال پسرش شیرویه را بر او مسلط ساخت و بدست وی بقتل رسید». این پش آمد در شب سه شنبه دهم جمادی الاولی سال هجری روی داد. آن دوزخ باذان بازگشتند و او را از این خبر آگاه ساختند. در نتیجه باذان و کسانش در یمن اسلام آوردند.»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ هَذَا رَسُولُ اللَّهِ
السُّرِّيُّ بْنُ سَائِيٍّ سَلَّمَ عَلَيْكَ يَا
أَبِي الْقَاسِمِ الْإِسْمَاعِيلِيُّ الْإِسْلَامِيُّ
إِنَّهُ وَالرَّحْمَةُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْكَ يَا
أَبِي الْقَاسِمِ الْإِسْمَاعِيلِيُّ الْإِسْلَامِيُّ
سَلَّمَ عَلَيْكَ يَا سَائِيُّ بْنُ سَائِيٍّ
إِنَّهُ وَالرَّحْمَةُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْكَ
يَا سَائِيُّ بْنُ سَائِيٍّ سَلَّمَ عَلَيْكَ يَا
أَبِي الْقَاسِمِ الْإِسْمَاعِيلِيُّ الْإِسْلَامِيُّ
سَلَّمَ عَلَيْكَ يَا سَائِيُّ بْنُ سَائِيٍّ



نامه پیغمبر اکرم به منذر بن ساوی، فرماندار بحرین از جانب کسری (صورت شماره ۴)

پیامبر اکرم باذان را بر حکومت یمن در صنعا ابقاء فرمود. وی بعد از «حجة الوداع» درگذشت و فرزندش شهر از جانب پیامبر بفرمانروائی آنجا برقرار شد.

پنجمین مأمور از فرستادگان شش گانه، در محرم سال هفتم هجری «شجاع بن وهب الاسدی» نزد «حارث بن ابی شمرا الغسانی» پادشاه غسان بود. پیامبر اکرم نامه‌ای بدین شرح برای او فرستاد :

«من محمد رسول الله الی الحارث بن ابی شمرا

سلام علی من اتبع الهدی و آمن بالله و صدق. فانی ادعوك ان تؤمن بالله و حده لا شریك له یبقی لك ملکك».

«شجاع» میگوید: برای دیدار او به «غوطه» (از نواحی کوهستانی و بیلاقی دمشق) رفتم او مشغول تهیه وسائل پذیرائی قیصر روم بود که از حمص به ایلیاء میرفت.

دوسه روز درب خانه او بانظار دیدارش ماندم و به حاجب او گفتم من فرستاده پیامبر خدا نزد او هستم. حاجب مردی رومی بود و عربی نام داشت. راجع به اوصاف پیامبر از من



نامه پیغمبر اکرم به حنینا و اهل خیبر و مقنا بزبان عربی و بخط عبری
(تصویر شماره ۵)

پرسید برایش تعریف کردم. سپس گریان شد و گفت: این صفات پیامبر اکرم را در انجیل

خواننده‌ام و آن را باور دارم و به او ایمان می‌آورم، اما می‌ترسم حارث مرا بکشد. مری مرا همچنان با احترام پذیرائی میکرد تا يك روز حارث از کاخ بیرون آمد و تاجی بر سر نهاد و اجازه داد نزد او بروم. آنگاه نامه پیامبر اکرم را به او دادم، آن را خواند و به یکسوانداخت و گفت: «چه کسی سلطنت را از من سلب میکند؟ من بسوی او میروم و اگر در یمن هم باشد با او روبرو خواهم شد. او در این حال دستور داد ستوران را نعل کنند و برای عزیمت آماده سازند و نامه‌ای برای قیصر نوشت و از حضور من و تصمیم خود او را آگاه ساخت. قیصر به او پاسخ داد که از این تصمیم بگذرد و نزد او به ایلان برود. او پس از دریافت این پاسخ مرا احضار کرد و یکصد مٔقال طلا و هزینه سفر و لباس یمن داد و مری را همراه من کرد و گفت: سلام مرا به پیامبر برسان. من نزد پیامبر بازگشتم و جریان امر را گفتم. پیامبر فرمود: «باد ملكه» سلطنت او تباہ شد. سپس سلام مری را به پیامبر رساندم و فرمود «صدق» راست گفت. حارث بن ابی شمر در عام الفتح درگذشت».

ششمین فرستاده پیامبر اکرم، در محرم سال هفتم هجری. سلیمان بن عمرو العامری نزد هود بن علی الحنفی فرماندار «بما» بود. در نامه پیامبر برای او چنین نوشته شد:

«بسم الله الرحمن الرحيم»

«من محمد رسول الله الي هود بن علي»

«سلام علی من اتبع الهدی، واعلم ان دینی سیظهر الی منتهی الخف و الحافر، فاسلم

تسلم واجعل لك ماتحت يدك.»

الله

مهر

رسول

محمد

هود فرستاده را با آغوش باز پذیرفت و در پاسخ به پیامبر نوشت:

«ما احسن ما تدعوا اليه واجمله، و انا شاعر قومي و خطيبهم و العرب شهاب مكاني

فاجعل لي بعض الامراتبعك.»

سپس از بافته‌های «هجر» و هدایای دیگر به «سلیط بن عمر» جایزه داد.

یکی از نامه‌های مهم پیامبر بعنوان منذر بن سامی نجیبی عبیدی فرمانروای «بحرین»

از جانب «خسر و پرویز» است.

«واقدی» مینویسد «علاء الحضرمی» مأمور شد نزد «منذر ساوی» برود. پیامبر به او فرمود:

«اگر منذر بتو پاسخ داد نزد او بمان تا دستور من بتو برسد و از ثروتمندان آنجا صدقه بگیر

و میان فقرای ایشان بخش کن». علاوه برای اجرای این مأموریت نوشته‌ای خواست. آنگاه پیامبر

نامه زیر را همراه او فرستاد:

«من محمد رسول الله الى المنذر بن ساوى :

سلام على من اتبع الهدى . اما بعد فاني ادعوك الى الاسلام فاسلم تسلم يجعل الله لك ما
تحت يديك، واعلم ان ديني سيظهر الى منتهى الخف و الحافر»^٢ مهر الله
رسول
محمد

منذر در پاسخ نوشت : اما بعد يا رسول الله. فاني قرأت كتابك على اهل البحرين ،
فمنهم من احب الاسلام واعجبه و دخل فيه، ومنهم من كرهه. و بارضى مجوس و يهود ،
فاحدث في ذلك امرك» «منذر» بدینگونه اسلام اختيار كرد. سپس پیامبر اکرم نامه دیگری برای
او فرستاد بدین شرح : (تصویر شماره ۴):

بسم الله الرحمن الرحيم،

ومن محمد رسول الله الى المنذر بن ساوى :

سلام عليك فاني احمد الله اليك الذي لاله غيره، و اشهد ان لاله الا الله، وان محمداً
عبده و رسوله.

اما بعد، فاني اذكرك الله عز وجل، فانه من ينصح فأنا ينصح لنفسه، و انه من يطع رسلي و يتبع
امرهم فقد اطاعني و من نصح لهم فقد نصح لي. و ان رسلي قد اتوا عليك خيراً و انسى قد
شفعتك في قومك، فاترك للمسلمين ما اسلموا عليه. و عفوت عن اهل الذنوب فاقبل منهم،
وانك مهما تصلح فلن نزلك عن عملك. و من اقام على يهوديته او مجوسيته فعليه الجزية،^٤
بطوریکه ملاحظه میشود پیامبر اکرم مردم بحرین را در اختیار اسلام آزاد گذاشت مشروط
بر آنکه در صورت عدم قبول اسلام جزیه بدهند. اما خود منذر اسلام آورد. «طبری» مینویسد
«منذر ساوی کمی پیش از وفات رسول اکرم درگذشت.

ابن اثیر در «اسد الغابة در شرح حال نافع بن سلیمان غلام منذر نقل میکند وی از
بحرین نزد پیامبر به مدینه رفت و چون درگذشت، عمرو بن عاص بر جنازه اش حاضر شد.

از جمله اسنادی که در خزانه کتابهای خطی مصر بدست آمده و اکنون در دانشگاه کمبریج
موجود است، متن پیمان نامه کتبی بزبان عربی با حروف عبری است که گفته میشود از جانب
رسول اکرم به خط «علی علیه السلام» بعنوان «حنینا» و یهود «خبیر» و «مقتنا» و کسان ایشان
نوشته شده است (تصویر شماره ۵)

ابن نامه در ژانویه ۱۹۰۳ در مجله «جیویش کوارترلی ریویو»^۵ منتشر شده و «اشپریر»
دانشمند آلمانی نیز در «مجله مدرسه زبانهای شرقی» درباره آن بحث نموده است.^۶ نامه مزبور
باین عنوان شروع شده : بسم الله الرحمن الرحيم، هذا كتاب من محمد رسول الله «لحنینا»،

ولاهل خبير، ووالقنا، وذراريهم مادامت السموات والارض، سلام انتم در پایان نامه نوشته شده است: وكتب علي بن ابوطالب بخطه ورسول الله يملى عليه حرفاً حرفاً، يوم الجمعة لثالث ليال خلت من رمضان سنة خمس مضت من الهجرة، شهد عمار بن ياسر وسلمان الفارسي مولاي رسول الله و ابوذر الغفاري.

در بعضی مراجع تاریخی نسبت به صحت و اصالت این نامه شك شده^۲ اما مدرکی که بر ساختگی آن دلالت کند بدست نیامده است جز آنکه نقل شده است نامه‌ای که بخط علی بن ابیطالب و گواهی سعد بن معاذ و معاویة بن ابی سفیان نوشته شده و بموجب آن مردم «خبیر» از پرداخت مالیات و جزیه و بیکاری معاف شده‌اند ساختگی بوده، زیرا سعد بن معاذ چند سال پیش از فتح «خبیر» در گذشته و معاویه گواه دیگر يك سال پس از فتح خبیر (سال فتح مکه) اسلام آورده است.

اما در نامه بالا ذکرى از معافیت یهود خبیر از جزیه و بیکاری و شهادت سعد و معاویه نشده است تا ساختگی آن محقق شده باشد. گواهان آن نیز عمار بن یاسر و سلمان فارسی و ابوذر غفاری بودند و بجز نامه‌ای است که مجهول شناخته شده است.

بطوریکه در پیش گفته شد نامه‌ها و پیمان نامه‌های پیامبر بزرگ اسلام بعنوان پادشاهان و روساء قبایل و بزرگان بسیار زیاد است که متن آنها در کتب تاریخ ثبت شده و این مختصر گنجایش درج آن را ندارد. بعضی از این نامه‌ها بخط علی علیه السلام و با قید تاریخ است و بعضی دیگر بخط دیگران مانند معاویة بن ابی سفیان، خالد بن سعید المعاصی، مغیره بن شعبه و اشخاص دیگر است و بیشتر با حضور و گواهی چند تن از اصحاب نوشته شده بدین مضمون: کتب . . . و شهد علی ذلك. . .

در نامه‌های پیامبر اکرم نکات زیر جلب توجه میکند:

بیشتر نامه‌ها با جمله‌های: «من محمد رسول الله الی فلان» و «اما بعد» و «هذا کتاب» و گاهی «سلم انت» آغاز شده است و غالباً عنوان نامه فقط بنام مخاطب میباشد و گاهی به ذکر لقب و شهرت او اکتفا شده است. هرگاه طرف پادشاه یا فرمانروا بوده بنام و عنوان عظیم القوم . . . یا «صاحب مملکة . . . نوشته میشد. پیامبر اکرم در نامه‌ها غالباً خود را با ضمیر مفرد: «انا» و «لی» و «فد علی» و گاهی به لفظ جمع: «بلغنا» و «جاءنا» و مانند آن میخواند و به طرف نامه بطور مفرد خطاب میکند، مانند «لك و عليك» و «اتما و لکم» و «انت قلت و فعلت کذا» و هرگاه مخاطب دو نفر بودند اتما و لکم و علیکما و بچند نفر «انتم و لکم و علیکم» خطاب میفرمود.

در صدر نامه بعنوان مسلمان جمله «سلام علیک» و گاهی «السلام علی من آمن بالله و رسول الله» و در خطاب به غیر مسلمان «سلام علی من اتبع الهدی» نوشته میشد.

در پایان نامه‌ها در خطاب به مسلمان جمله «السلام عليك و رحمة الله و بركاته» و گاهی «سلام» تنها نوشته می‌شد و به غیر مسلمان «و السلام على من اتبع الهدی» و زمانی بدون ذکر سلام و بطور ساده اکتفا می‌شد.

پیامبر اکرم در آغاز امرنامه‌های خود را با جمله «باسمك اللهم» شروع کرد تا آنکه این آیه نازل شد: اذكبروا فيها باسم الله مجربها و مرسيها» (سوره هود آیه ۴۱)، آنگاه نوشت: «باسم الله». سپس این آیه نازل شد: «قل ادعوا الله او ادعوا الرحمن» (سوره اسراء آیه ۱۱۰) آنگاه در نامه‌ها نوشت: «باسم الله الرحمن» پس از آن این آیه نازل شد: «انه من سليمان و انه باسم الله الرحمن الرحيم» (سوره نمل آیه ۳۰) از آن پس نامه‌ها با جمله «باسم الله الرحمن الرحيم» شروع گردید.

مراجع :

البدء والتاريخ مطهر بن طاهر - تاريخ ابوالفداء - تاريخ بغداد خطيب - تاريخ الامم والملوك طبري - تاريخ يعقوبی - تاريخ كزیده حمدالله مستوفی - خطط مقریزی - صبح الاعشى - عقد الفريد ابن عبدربه - الفخری فی آداب السلطانية - فتوح البلدان بلاذری - طبقات ابن سعد واقدي طبري تفسير ترجمه بلعمی - محمدص - استاذ محمد رضا - المعارف ابن قتيبه - مروج الذهب مسعودی - مختصر دائرة المعارف اسلامي بانگليسي - دائرة المعارف مذهب و اخلاق بانگليسي - الوافي بالوفيات صفدي - الوثائق السياسية حميدالله محمد - تصويرها، نقل از كتاب الوثائق السياسيہ تأليف حميدالله محمد.

- ۱ - ترجمه فارسی محمد بن محمد بلعمی (وفات ۳۲۹ هجری) در اوایل قرن چهارم هجری.
- ۲ - «فدعا بالجملين» جلم و جلمين آلت برنده هانند قیچی است.
- ۳ - خف بمعنای پاپوش و حافرسم چهار پایان است. در اینجا منظور انتشار اسلام تا آخرین حدی خواهد بود که انسان و ستوران بدانجا راه یابند.
- ۴ - اصل نامه (تصویر ۴) در دمشق کشف و در سال ۱۸۶۹ در مجله مستشرقین آلمانی ZDMC و در سال ۱۹۱۷ در مجله اسلامی Islamic Review در «انگلستان» و در سال ۱۹۳۹ در «مجله عثمانی» منتشر شد و اصالت آن را دانشمندان تأیید نموده‌اند.
- ۵ - Jewich Quarterly Review
- ۶ - Sperber, Dischreiben Muhammads and die Stamme Arabiens in: MSOS, Berlin, 1916
- ۷ - معجم الابداء یا قوت ج ۱ - تاريخ ابن کثیر، ج ۵ - الوافي بالوفيات ج ۱